



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره دکتری

عنوان:

## بررسی فقهی ولایت سیاسی زنان

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سیدمحمدجواد وزیری فرد

استادان مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سیدیوسف علوی وثوقی

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر محسن ملک افضلی

نگارنده:

محمد عترت دوست

بهار ۱۳۹۳

## چکیده

موضوع مشارکت سیاسی زنان در جامعه اخیراً بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بر همین اساس و به علت برخی شبهات فقهی دربارهٔ ولایت سیاسی زنان، بررسی فقهی این موضوع مهم به نظر می‌رسد. از این رو در این نوشتار با بررسی آیات و روایات و گفتار مفسران و فقیهان به بررسی امکان و حدود جواز ولایت سیاسی برای زنان پرداخته شده است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

در نتیجه تحقیق روشن شد که به آیات قرآن در منع ولایت سیاسی زنان نمی‌توان به طور قاطع استناد کرد؛ گرچه در صورت اثبات- از برخی از آن‌ها بتوان به مثابه مؤید بهره برد. اما با توجه به برخی از روایات موجود و اجماع علمای فریقین در منع ولایت عام برای زنان، می‌توان حکم به ممنوعیت ولایت سیاسی عام در سطح حاکم امت اسلامی و ولی فقیه برای زنان نمود. اما در سطوح پایین‌تر و در ولایاتی چون ریاست دولت و نمایندگی مجلس و وزارت و مدیریت‌های دیگر نمی‌توان حکمی این‌چنین داد. چرا که این گونه از مدیران و مسئولان سیاسی، در واقع، در مقام کارگزار ولی امر هستند و نه ولی مستقل. البته، با توجه به ادله موجود، مرجوحیت هر نوع مدیریت سیاسی برای زنان محرز است.

**کلمات کلیدی:** ولایت سیاسی، زنان، فقه، قضاوت زنان، حکومت.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                             |
|------|-----------------------------------|
| ۲    | ۱-۱. مقدمه                        |
| ۲    | ۱-۱-۱. طرح مسئله                  |
| ۶    | ۱-۱-۲. سابقه و ابعاد تحقیقی موضوع |
| ۸    | ۱-۱-۳. ضرورت تحقیق                |
| ۱۰   | ۱-۱-۴. سؤالات تحقیق               |
| ۱۰   | ۱-۱-۴-۱. سؤال اصلی                |
| ۱۰   | ۱-۱-۴-۲. سؤالات فرعی              |
| ۱۰   | ۱-۱-۵. فرضیه تحقیق                |
| ۱۰   | ۱-۱-۶. اهداف                      |
| ۱۱   | ۱-۱-۷. روش تحقیق                  |
| ۱۱   | ۱-۱-۸. سازمان‌دهی تحقیق (فصول)    |
| ۱۲   | ۲-۱. مفاهیم                       |
| ۱۲   | ۲-۱-۱. فقه                        |

- ۱۲-۱-۱-۱. فقه در لغت ..... ۱۲
- ۱۲-۱-۲-۱. فقه در اصطلاح ..... ۱۲
- ۱۳-۲-۱. ولایت ..... ۱۳
- ۱۳-۲-۲-۱. ولایت در لغت ..... ۱۳
- ۱۴-۲-۲-۱. ولایت در اصطلاح ..... ۱۴
- ۲۷-۳-۲-۱. ارکان ولایت شرعی ..... ۲۷
- ۲۸-۲-۳-۱. جاعل ولایت ..... ۲۸
- ۲۹-۳-۳-۱. ولی ..... ۲۹
- ۲۹-۴-۳-۱. مولی علیه ..... ۲۹
- ۳۰-۴-۲-۱. اقسام ولایت شرعی ..... ۳۰
- ۳۲-۵-۲-۱. سیاست ..... ۳۲
- ۳۳-۶-۲-۱. ولایت سیاسی ..... ۳۳
- ۳۴-۱-۶-۲-۱. ولایت یا وکالت ..... ۳۴
- ۳۷-۷-۲-۱. زن ..... ۳۷
- ۳۹-۸-۲-۱. مشارکت سیاسی زن ..... ۳۹
- ۴۳-۹-۲-۱. ولایت سیاسی زن ..... ۴۳

### فصل دوم: مبانی نظری

- ۴۸-۱-۲. جایگاه و کرامت زن در اسلام ..... ۴۸
- ۶۵-۲-۲. اصلی اولی در ولایت انسان بر انسان ..... ۶۵
- ۶۶-۳-۲. ولایت سیاسی ..... ۶۶
- ۷۲-۴-۲. تاریخچه‌ای از حضور و ولایت سیاسی زن بعد از اسلام ..... ۷۲

- ۵-۲. ولایت سیاسی زن در قرآن..... ۷۵
- ۶-۲. مشارکت سیاسی زن در اسلام..... ۷۹
- ۱-۶-۲. بیعت..... ۷۹
- ۱-۱-۶-۲. ماهیت بیعت..... ۷۹
- ۲-۱-۶-۲. تفاوت نگاه اهل سنت و امامیه به بیعت..... ۸۱
- ۳-۱-۶-۲. کیفیت انجام دادن بیعت..... ۸۳
- ۴-۱-۶-۲. اقسام بیعت از جهت اهداف و محتوا..... ۸۵
- ۲-۶-۲. انتخابات..... ۸۵
- ۳-۶-۲. امر به معروف و نهی از منکر سیاسی (نظارت عمومی)..... ۹۵
- ۴-۶-۲. شورا..... ۹۸
- ۷-۲. سختی‌ها و محدودیت‌های مشارکت سیاسی زن..... ۱۰۱
- ۱-۷-۲. تفاوت‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زن و مرد و نقش‌های اختصاصی زنان..... ۱۰۲
- ۲-۷-۲. حجاب و حیا و الزامات شرعی حضور زن در اجتماع..... ۱۱۴
- ۸-۲. حکومت ولی فقیه..... ۱۱۸
- ۹-۲. پیشینه کلامی دیدگاه فقهی امامیه و اهل سنت در ولایت سیاسی..... ۱۲۵
- ۱۰-۲. زنان در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۶
- ۱-۱۰-۲. زنان در انقلاب اسلامی ایران..... ۱۲۷
- ۲-۱۰-۲. زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۹
- ۱۱-۲. ولایت سیاسی در سطوح پایین‌تر از ولی فقیه..... ۱۳۶
- ۱۲-۲. قضاوت..... ۱۴۲

## فصل سوم: بررسی دلایل مخالفان و موافقان ولایت سیاسی زن

- ۱۵۲.....۱-۳. بررسی دلایل مخالفان ولایت سیاسی زن
- ۱۵۲.....۱-۱-۳. استدلال به قرآن کریم
- ۱۵۲.....۱-۱-۱-۳. آیهٔ قیمومیت
- ۱۵۳.....۱-۱-۱-۱-۳. سخنان مفسران
- ۱۵۸.....۲-۱-۱-۱-۳. فضیلت مرد و طفیلی بودن زن
- ۱۶۱.....تحلیل و بررسی
- ۱۶۳.....۲-۱-۱-۳. آیهٔ تفضیل مردان
- ۱۶۴.....تحلیل و بررسی
- ۱۶۵.....۳-۱-۱-۳. آیهٔ دستور به ماندن در خانه
- ۱۶۸.....تحلیل و بررسی
- ۱۷۰.....۴-۱-۱-۳. آیهٔ مبین نبودن زنان در مواضع
- ۱۷۱.....تحلیل و بررسی
- ۱۷۳.....۲-۱-۳. روایات
- ۱۷۴.....۱-۲-۱-۳. روایات نفی عمومی ولایت زنان
- ۱۷۴.....۱-۱-۲-۱-۳. روایت رستگار نشدن فرمانبران از زن (روایت مشهور نبوی)...
- ۱۷۶.....تحلیل و بررسی
- ۱۸۰.....۲-۱-۲-۱-۳. روایت ریحان بودن زن
- ۱۸۰.....تحلیل و بررسی
- ۱۸۳.....۳-۱-۲-۱-۳. روایت معرفی قاضی در اختلافات بین شیعیان
- ۱۸۴.....تحلیل و بررسی
- ۱۸۷.....۴-۱-۲-۱-۳. روایت نهی از تدبیر زن برای مرد

- ۱۸۷.....روایت فرمانروایان بد.....۵-۱-۲-۱-۳
- ۱۸۸.....تحلیل و بررسی ..... ۱۸۸
- ۱۸۸.....وجود نداشتن موضوع برای قضاوت زن.....۶-۱-۲-۱-۳
- ۱۸۸.....تحلیل و بررسی ..... ۱۸۸
- ۱۸۹.....بررسی روایات مشورت با زنان .....۲-۲-۱-۳
- ۱۹۰.....مشورت با توجه به شخصیت زن .....۱-۲-۲-۱-۳
- ۱۹۲.....مشورت با توجه به موضوع مشاوره.....۲-۲-۲-۱-۳
- ۱۹۴.....نامه ۳۱ نهج البلاغه .....۳-۲-۲-۱-۳
- ۱۹۴.....تحلیل و بررسی ..... ۱۹۴
- ۱۹۵.....روایت شومی زنان .....۴-۲-۲-۱-۳
- ۱۹۶.....تحلیل و بررسی ..... ۱۹۶
- ۲۰۰.....روایت درباره تباه‌کنندگان قلب .....۵-۲-۲-۱-۳
- ۲۰۰.....تحلیل و بررسی ..... ۲۰۰
- ۲۰۰.....نسخه دیگر روایت درباره تباه‌کنندگان قلب .....۶-۲-۲-۱-۳
- ۲۰۰.....تحلیل و بررسی ..... ۲۰۰
- ۲۰۱.....روایت مخالفت با نظر مشورتی زنان .....۷-۲-۲-۱-۳
- ۲۰۱.....تحلیل و بررسی ..... ۲۰۱
- ۲۰۳.....روایت پیش‌بینی مشورت زنان در حکومت.....۸-۲-۲-۱-۳
- ۲۰۳.....تحلیل و بررسی ..... ۲۰۳
- ۲۰۴.....روایات دال بر نقصان عقل زنان .....۳-۲-۱-۳
- ۲۰۴.....خطبه بعد از جنگ جمل .....۱-۳-۲-۱-۳

- تحلیل و بررسی ..... ۲۰۴
- ۲-۳-۲-۱-۳. توصیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به لشکریان خود ..... ۲۱۳
- ۳-۳-۲-۱-۳. روایت کم‌بهرگان در دین و خرد ..... ۲۱۳
- ۴-۳-۲-۱-۳. روایت کینه عایشه ..... ۲۱۴
- ۵-۳-۲-۱-۳. روایت برکت در مخالفت با زنان ..... ۲۱۴
- ۶-۳-۲-۱-۳. روایت حذر از زنان خوب ..... ۲۱۴
- ۷-۳-۲-۱-۳. روایت خلقت حضرت حوا ..... ۲۱۵
- ۸-۳-۲-۱-۳. روایت ندا به حضرت حوا ..... ۲۱۵
- ۴-۲-۱-۳. روایات نهی از اطاعت زنان ..... ۲۱۶
- ۱-۴-۲-۱-۳. نهی از مشورت درباره اسرار یا اطاعت درباره نزدیکان ..... ۲۱۷
- تحلیل و بررسی ..... ۲۱۷
- ۲-۴-۲-۱-۳. روایت شکایت مرد از زنانش ..... ۲۱۸
- تحلیل و بررسی ..... ۲۱۸
- ۳-۴-۲-۱-۳. اطاعت از زن مایه ندامت ..... ۲۲۲
- تحلیل و بررسی ..... ۲۲۲
- ۳-۱-۳. اجماع ..... ۲۲۴
- ۴-۱-۳. عقل ..... ۲۲۷
- ۵-۱-۳. اصل عملی ..... ۲۲۸
- تحلیل و بررسی ..... ۲۲۹
- ۶-۱-۳. سیره مسلمین ..... ۲۳۱
- تحلیل و بررسی ..... ۲۳۲



- ۲۳۸..... بررسی دلایل موافقان ولایت سیاسی زن. ۲-۳
- ۲۳۹..... اصل اولی. ۱-۲-۳
- ۲۳۹..... قرآن کریم. ۲-۲-۳
- ۲۴۱..... سنت شریف. ۳-۲-۳
- ۲۴۳..... اصل عملی. ۴-۲-۳
- ۲۴۴..... بنای عقلا. ۵-۲-۳
- ۲۴۶..... مناقشه در ادله مخالفان ولایت سیاسی زن. ۶-۲-۳
- ۲۴۷..... تحلیل و بررسی دلایل موافقان. ۷-۲-۳
- ۲۵۰..... نتیجه گیری. ۳-۳
- ۲۵۳..... پیشنهاد. ۴-۳
- ۲۵۴..... فهرست منابع و مآخذ.....

**فصل اول**

**کلیات**

## ۱-۱. مقدمه

### ۱-۱-۱. طرح مسئله

زنان نیمی از هر اجتماع هستند که نقشی مهم در شکل‌گیری سعادت جوامع بر عهده دارند. نقش‌هایی چون تربیت فرزندان و خانه‌داری بدون حضور زنان مسلماً توفیقی نخواهد داشت. از سویی دیگر، زندگی اجتماعی انسان نیز لوازمی دارد؛ دخالت مردم در شکل‌گیری حکومت انکارناشدنی است. حکومت‌های متداول امروزی در ابعاد مختلف تقنینی، اجرایی و قضایی با حضور و نظر مستقیم یا غیر مستقیم مردم شکل می‌گیرد. حال، زنان، به مثابه نیمی از جمعیت جامعه، در این مسائل چه وظایفی بر عهده دارند.

به نظر می‌رسد بتوان مشارکت سیاسی زنان را در پنج حوزه تحدید نمود:

- حضور در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی مانند مجلس شورا و شوراهای دیگر؛

- تصدی منصب‌های مدیریتی چون وزارت، ریاست دولت و...؛

- شرکت در انتخابات و برگزیدن افراد برای دو بخش فوق؛

- حضور در تشکل‌ها و احزاب سیاسی و...؛

- حضور در راه‌پیمایی‌ها و تجمعات حمایتی یا اعتراضی.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان از نظر مشارکت و تصدی مناصب و مسئولیت‌های سیاسی - اجتماعی همسنگ مردان از حق رأی و انتخاب و نیز حق نامزدی و

---

۱. مهدی مهریزی، "زن و سیاست؛ گرایش‌ها و نگارش‌ها"، حکومت اسلامی، ش ۴، ۱۳۷۶.

انتخاب شدن برخوردار شده‌اند. اما آن گونه که از ظاهر اصل ۱۱۵ قانون اساسی برمی‌آید، در تصدی پست مهم و حساس ریاست جمهوری به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری، جنسیت دخالت داده شده است. از این رو زنان نمی‌توانند عهده دار آن شوند. این برداشت از اصل ۱۱۵ بیشتر بر پایه باورهای دینی و موازین فقهی است.<sup>۱</sup>

تبیین نشدن کافی مبانی فقهی چنین تصمیماتی گروه‌های مختلف را بر آن داشته است که از دیدگاه‌های مختلف به مقابله و اعتراض در مقابل آن برآیند. البته همه می‌پذیرند که در روابط بین انسان‌ها در همه زمان‌ها تبعیض و ظلم وجود داشته است و چه بسا زنان از برخی از حقوق خود هم به دلایل مختلف دور مانده باشند. اما آنچه شایان توجه است این است که همه موارد را نباید ناشی از علتی خاص دانست و یا بی‌جهت امری را به مصادیق مختلف تعمیم داد. به این معنا که جایز نبودن ریاست جمهوری برای زنان را نمی‌توان در کنار سایر مسائل قرار داد و همه را با یک استدلال مردود دانست. ممکن است دلیل اینکه برخی از زنان راغب نیستند برای اشتغال در مشاغلی چون تدریس در مدارس دخترانه یا درمان زنان یا سایر امور مباح تلاش کنند مسائلی چون عقب‌نگه داشتن زنان در مسائل و موضوعات مختلف و برخی مسائل این‌چنینی باشد. اما همین دلیل را نمی‌توان برای رئیس‌جمهور نشدن آن‌ها بیان کرد.

این نگاه غلط باعث شده است که برای استدلال این معنا دلایلی گوناگون را در کنار هم ردیف کنند. مثلاً موانع موجود در مشارکت سیاسی زنان را به صورت زیر در کنار هم قرار دهند و کم‌رنگ بودن حضور در همه مصادیق فعالیت سیاسی زنان را به آن‌ها نسبت دهند:

**موانع ذهنی** چون فقدان باور و اعتقاد درونی زنان به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود؛ عدم احساس ضرورت توسط زنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف؛ متعلق به خود ندانستن حوزه سیاست از سوی دختران تحت تأثیر ارزش‌هایی که طی قرون متوالی منتقل شده است و از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی تقویت می‌شود و اصولاً نداشتن انگیزه برای مشارکت فعالانه سیاسی در سطح نخبگان؛ ترس از فرهنگ و باورهای سنتی و عدم برنامه‌ریزی

---

۱. سید محمدصادق طباطبایی، وحید قاسمی و منیر پشمی، "بررسی مسئله تصدی زن بر مقام ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، (۱۳۸۷): ۱۵۰.

برای زدودن توهمات احتمالی. **موانع فرهنگی** چون روح فرهنگ مردسالاری تاریخی حاکم بر این مرز و بوم که زنان را به تبعیت از مردان وادار می‌کند و ارزش وجودی زنان را به انجام دادن تکالیف دینی و پرورش مردان متدین وابسته می‌داند؛ این فرهنگ مردسالاری بر تدوین قواعد سیاسی نیز حاکم است و هر گونه توانمندی را در عرصه مشارکت سیاسی زنان عقیم می‌گذارد؛ سرچشمه گرفتن در درجه نخست از سطوح بالای تصمیم‌گیری که زنان را برای پست‌های تصمیم‌گیری انتخاب نمی‌کنند و این خود بازدارنده است؛ زمینه‌های تاریخی و فرهنگی که همواره دوری زنان را از سیاست فراهم کرده است و نیز دور کردن وظایف زنان از جمله بقای نسل و اداره خانه آنان را از محیط اجتماعی که زمینه‌ساز مشارکت سیاسی است؛ وجود برخی از سنت‌های فرهنگی و تحمیلی که نه جزء فرهنگ ایرانی و نه جزء فرهنگ اسلامی است. **موانع اجتماعی** چون تفاوت فرایند اجتماعی شدن بین دو جنس که تفاوت در رفتار را به همراه می‌آورد همچون ترس زنان از اعمال نظر و صحبت کردن در مجامع عمومی و نداشتن اعتماد به نفس؛ پیش‌داوری‌ها، مخالفت خانواده، تصویر منفی زنان که اهل سیاست هستند و کنترل اجتماعی اطرافیان که شرکت زنان را در جوامع محلی و ملی دشوار می‌سازد؛ فقدان رسانه‌های گروهی و جمعی مسئولیت‌پذیر و هوادار توسعه کلان و مشارکت همه‌جانبه؛ سطح پایین آگاهی زنان و فقدان ابزارهای مناسب در سطح جامعه، مثلاً نبود تشکلهای انجمن‌های خودجوش زنانه. **موانع سیاسی** چون نبود فعالیت مداوم مردم‌سالارانه؛ ناآشنایی برخی از مسئولان سیاسی با خواسته‌ها و نگرش‌های بانوان؛ نبودن فضای مناسب در متن جامعه برای انجام دادن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی. **موانع حقوقی** چون محرومیت زنان از نیل به برخی از مشاغل عمومی چون مرجع تقلید، پیش‌نماز، رهبر، عضو شورای رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست جمهوری؛ غالب بودن نظریه‌های فقهی دسته‌ای از فقها که مقتضیات اجتماعی را نادیده می‌گیرند؛ سیاسی بودن مقوله حقوق زنان که دو پیامد نگاه ابزاری به زن برای دستیابی به قدرت و نمایشی بودن پست‌های مدیریت

سیاسی زنان را به دنبال دارد؛ ابهام در قوانین؛ ناشناخته بودن حقوق و قانون نامطلوب انتخاباتی و صافی‌های نظارتی<sup>۱</sup>.

همان طور که دیدیم، در میان برخی از مطالب صحیح ناشی از برخی از نقایص، موضوعاتی که منبعث از آموزه‌های دینی است آورده شده است. تبیین نکردن دقیق از منظر فقهی مبانی اموری مانند عدم جواز شرعی رهبری برای زن و مانند آن باعث شده است که برخی — آگاهانه و مغرضانه یا جاهلانه — با سوء استفاده از عبارات ظاهر فریب حقوق زن و طرفداری از آن برخی از مسائل ناشی از مبانی فقهی جامعه اسلامی را مورد حمله قرار دهند. برخی با دم زدن از حقوق زن این گونه قانون‌ها را نافی حقوق زن می‌دانند. برخی آن را ناشی از مسائل فرهنگی و نگاه تبعیض‌آمیز به زن در طول تاریخ و در زمان‌های گذشته می‌دانند... در این میان به نظر می‌رسد وظیفه فقیهان و دانش‌پژوهان این است که این مبانی را به صورت شفاف بیان کنند تا برای همگان روشن باشد. البته مغرضان و کسانی که به مبانی دینی اسلام اعتقادی ندارند همیشه هستند و به هر طریقی که بتوانند سخن خود را می‌گویند؛ اما آنچه مهم است این است که نباید با کم کاری و اهمال بهانه به دست مغرضان داده شود. اگر همه مبانی فقهی این گونه از مسائل به‌روشنی تبیین شود، دیگر بیان انتقادهایی چینی در مقابل اعتقادات پذیرفته شده جامعه آسان نخواهد بود.

البته برخی هم با تصور حق حاکمیت برای مردم به این دیدگاه که زنان می‌توانند ولایت داشته باشند دامن می‌زنند؛ با این توضیح که، بر اساس آیه سی‌ام سوره بقره<sup>۲</sup> و اینکه بیشتر مفسران قائل اند مقام خلیفه الهی مخصوص حضرت آدم علیه‌السلام نبوده و مربوط به نوع انسان است، می‌گویند حکومت مردم بر مردم یعنی حق حاکمیت ملی نیز به عنوان خلیفه الهی بودن انسان می‌تواند مشروع و قانونی باشد<sup>۳</sup>؛ بنابراین هر کسی را که مردم صلاح بدانند می‌توانند به عنوان حاکم برگزینند، گرچه زن باشد. چرا که، همان طور که در مبانی نظری خواهد آمد، ما قائلیم که حق حاکمیت از آن خداست که به اولیای خاص خود واگذار کرده

۱. طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۷، ۱۵۴-۱۵۷.

۲. «انی جاعل فی الارض خلیفه»

۳. فائزه عظیم زاده اردبیلی، "مبانی فقهی و حقوقی لزوم مشارکت سیاسی زن مسلمان در موج بیداری اسلامی"، مطالعات بیداری اسلامی، ۱(۱۳۹۱): ۱۳۷.

است و در عصر غیبت این حق به فقها می‌رسد و بر اساس مبانی اسلامی این امر به زنان نمی‌رسد.

از سویی دیگر برخی از علما -همچون آیت الله صافی گلپایگانی- نیز ظاهراً بر اساس اینکه هر گونه مدیریت سیاسی زن را ولایت سیاسی ممنوع برای او می‌دانند حتی با فرماندار شدن زن مخالفت کرده‌اند.<sup>۱</sup> مسئله اساسی این است که اساساً کدام مشارکت‌های سیاسی زنان مصداق ولایت است و اگر مصداق ولایت است آیا ولایت سیاسی زن در فقه اسلام ممنوع است. چه دلایلی بر این معنا وجود دارد و با توجه به آن‌ها ولایت سیاسی زن را تا چه اندازه می‌توان تحدید کرد.

### ۱-۱-۲. سابقه و ابعاد تحقیقی موضوع

سمت‌های سیاسی در گذشته و به‌ویژه در زمان معصومان علیهم‌السلام گسترده نبوده و به مقام خلافت -که همان امامت مسلمین و مقام زعامت کبرا و بالاترین منصب سیاسی است- و یا مقام امارت -که فرمانداری و یا استانداری شهر و یا منطقه‌ای بوده- و نیز منصب قضاوت و مناصب نظامی محدود بوده است؛ اما در دنیای امروز این مناصب دارای شاخه‌ها، مراتب و درجات بسیار زیادی است؛ وزارت‌خانه‌ها، ادارات کل و مدیریت‌های فراوانی در زیرمجموعه دولت، قوه قضائیه و یا قوه مقننه قرار دارد که بیشتر آن‌ها جزو مناصب ولایی محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که فقه اهل سنت از آغاز حیات خود با مسئله خلافت و حکومت و مسائل مربوط به آن مواجه بوده است و فقهای آنان مجبور بوده‌اند پیوسته در مورد وظایف و اختیارات حاکمان و رابطه متقابل مردم و حکومت و مسائل خردی که هر روزه درباره مسائل حکومتی مطرح می‌شده است اظهارنظر و احکام شرعی آن را بیان کنند. از این رو مسئله حکومت و زوایای آن در کتب فقهی اهل سنت از قدیم مطرح بوده و فروعاً زیادی درباره آن دیده می‌شود. اما، از آنجا که جامعه شیعه و، به تبع آن، فقهایشان همیشه -مگر در زمان‌ها و

۱. وبگاه خبری خبرآنلاین، ۱۳۹۳:

مکان‌هایی محدود— از قدرت دور بوده و در کمتر دوره‌ای در مصدر حکومت قرار داشته‌اند، بررسی موضوعات حکومتی مورد نیاز آن‌ها نبوده است. با اینکه در روایات معصومین از جایگاه امام و مسئولیت‌های وی در مسائل مرتبط با دولت —مانند اقامه حدود و تعزیرات و جمعه و جهاد— یاد شده است، ولی فقهای شیعه عنوان «امام» را در این روایات همیشه بر امام اصل —یعنی امام معصوم علیه‌السلام— منطبق کرده و کمتر سخنی درباره وظایف امام غیر معصوم در رسیدگی به این امور گفته‌اند.

از دیرباز مسائل مختص به زنان در ابواب مختلف فقه به دقت و مفصل بررسی شده است؛ از جمله این مسائل قضاوت زن است. فقها موضوع ولایت سیاسی زنان را، به شکل مستقل، به صورت جدی بررسی نکرده‌اند؛ اما در باب قضاوت —به مثابه یکی از شئون ولایت— به موضوع زنان پرداخته شده و با استناد به آیات و روایات جواز یا عدم جواز شرعی قضاوت زن بررسی شده است. البته شاید بتوان دلیل جدی نشدن موضوع ولایت سیاسی زنان در بین فقها را نبودن مسئله به معنای دغدغه اجتماعی نبودن این امر دانست؛ چرا که مسئله شدن دخالت زنان در شئون سیاسی در قرون و شاید فقط قرن اخیر مطرح شده است. پس به تناسب مسائل روز بر علمای دین است که به این امر به شکل جدی بپردازند.

گفت‌وگو در قالب سنت مباحث دینی در مورد مشارکت سیاسی زنان در انتخابات مجلس و حضور آنان در این عرصه و، در کل، نگاه به حوزه حقوق زن و با رهیافت‌های جدید واقعیتی است که بیش از یک قرن در آثار متفکران دینی به طور جدی جریان دارد. نخستین مبارزه ملایم به نفع آزادی و پایان دادن به عقب‌ماندگی‌های اجتماعی زنان در تاریخ اندیشه سیاسی اهل سنت با فعالیت‌های قاسم امین<sup>۱</sup> در مصر آغاز شده است. اما قاسم امین در چشم‌انداز کلی نهضت عربی دفاع از حقوق زن در مرحله دوم و ادامه‌دهنده راه سید جمال‌الدین اسدآبادی<sup>۲</sup> و محمد عبده<sup>۳</sup> محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. ۱۹۰۸ م

۲. ۱۸۹۷ م

۳. ۱۸۴۹ م



البته، علاوه بر فقها، گروه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی دغدغه حضور زن در اجتماع و شئون سیاسی را داشته‌اند و هر یک به تناسب تخصص خود به این امر پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> از آن جمله، مفسران نیز ذیل آیات مرتبط با این موضوع به آن اجمالاً پرداخته‌اند. اما، از بین علمای شیعه، به شکل مستوفی و کامل‌تر شاید فقط سه عالم گران‌قدر شمس‌الدین<sup>۳</sup>، حسینی تهرانی<sup>۴</sup> و آصفی<sup>۵</sup> به آن پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت موضوع و نگاه خاص این سه بزرگوار به نظر می‌رسد بیش از این در این موضوع باید کار شود.

### ۱-۱-۳. ضرورت تحقیق

با اینکه موقعیت زنان در جهان معاصر و به ویژه در دنیای اسلام تا حدودی از گذشته فاصله گرفته است، ولی هنوز در بسیاری از کشورهای مسلمان زنان در تبعیض فاحش به سر می‌برند؛ در یک کشور زن تا وزارت و نخست‌وزیری پیش رفته است؛ در دیگری نه فقط حتی از حق شرکت در انتخابات برخوردار نیست، که ده‌ها شخصیت مذهبی برای حرمت رانندگی آن‌ها با ماشین فتوای دینی صادر می‌کنند. این واقعیت‌ها حاکی از این است که هنوز هم زن و هم متون دینی در این باره از اسارت برخی از فرهنگ‌ها و روحیه‌ها رهایی نیافته است. تسلط این وضعیت همچنان راه را بر فهم متناقض از متون دینی هموار نگه می‌دارد تا این رفتارهای دوگانه و بلکه چندگانه درباره زنان در جامعه مسلمانان تداوم یابد. در این میان، تنها گزینه‌ای که می‌تواند در برون رفت از این چالش‌ها نقش ایفا کند تأمل دوباره در برداشت‌های متأثر از عوامل فرامتنی در مسئله زن و تنقیح آن در پرتو برخی از مفروضات مسلم دینی است.<sup>۶</sup>

---

۱. محمدصادق فیاض، وکالت زن: بررسی فقهی وکالت زن در دعاوی و پارلمان (مجلس)، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.

ص ۲۲.

۲. کتابخانه مدرسه فقاقت، نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر، پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مدرسه فقاقت.

۳. محمد مهدی شمس‌الدین، (أهلیة المرأة لتولی السلطة) حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران: بعثت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

۴. سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم، ترجمه چند تن از فضلا، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۹ ق؛ سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، چاپ دوم، مشهد: علامه طباطبایی، ۱۴۲۱ ه ق.

۵. محمد مهدی آصفی، "زن و ولایت سیاسی و قضایی"، فقه اهل بیت، ۴۲ (۱۳۸۵).

۶. فیاض، ص ۱۵.

با وجود حضور پررنگ زنان در امور سیاسی بسیاری از جوامع اسلامی، به نظر می‌رسد که درباره نگاه دقیق فقه به این امر به اندازه کافی پرداخته نشده است. این امر با توجه به مخالفت بسیاری از فقها با قضاوت — که از شئون مهم حکومت به حساب می‌آید — زن و نگاه منفی بسیاری از علما به حضور سیاسی زنان در سطوح بالای حکومتی جدی‌تر به نظر می‌رسد. گرچه به شکل پراکنده و در مقالات برخی از متأخران این موضوع بررسی شده است، به نظر می‌رسد لازم است که در این زمینه پژوهشی عمیق صورت گیرد تا همه جوانب مسئله به شکل عمیق‌تر و کامل بررسی شود.

در هر صورت، زن امروز در جوامع اسلامی خود را با هویتی متفاوت از گذشته مواجه می‌بیند و تقریباً تمام عرصه‌های ممنوع شده زن گذشته به رویش گشوده است؛ او آموزش دیده است و با هیچ رشته درسی بیگانه نیست، در سیاست مشارکت وسیع دارد و در عرصه اقتصاد نیز حضورش به یکی از شاخصه‌های توسعه تبدیل شده است. با وجود این، در فقه پژوهی معاصر، به‌ویژه در حوزه فقه شیعه، توجه درخور بدان دیده نشده است و طرح و حل مسائل زن همچنان پابست قالب‌هایی مانده است که دغدغه‌های زمان خویش را داشته‌اند.

توجه به تحولات، به‌ویژه از این زاویه مهم است که فقه شیعه اگرچه در گذشته — بنا به الزامات عصر — درگیر مسائل فردی بود، اما امروزه به یمن مجاهدت فقهای راستین شیعه در بیش از یک قرن — که سهم حضرت امام خمینی رحمه‌الله<sup>۱</sup> در رهبری و پیروزی آن بی‌اندازه شگرف بود — با عبور از محرومیت چند صد ساله از صحنه سیاست، در حال تجربه بنیان‌گذاری و اداره دولتی است که همه فلسفه سیاسی آن را فقه تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، جایگاه کنونی زنان در مراکز مهم تصمیم‌گیری سیاسی که به پاس رشادت‌ها و مجاهدت‌های خویش به آن دست یافته‌اند، همه از مسائل زنان در فقه — که در هویت تنها مرجع تعیین‌کننده نحوه تعاملات انسانی، در جامعه قدر می‌بیند — مسئله‌ای ساخته است که بی‌توجهی بدان افزون بر زیان‌های معرفتی، موجب مشکلاتی خواهد شد که کمترین آن آشفتگی‌های اجتماعی یا به قول

هشام شرابی هویت پاره پاره خواهد بود<sup>۱</sup>. پس در ضرورت این گونه از تحقیقات شکی نیست و فقه‌پژوهان باید در حد وسع خود بدان پردازند.

### ۴-۱-۱. سؤالات تحقیق

#### ۱-۴-۱-۱. سؤال اصلی

مهم‌ترین سؤال این تحقیق این است که، از نظر فقهی، ولایت سیاسی زنان چه حکمی دارد.

#### ۱-۴-۱-۲. سؤالات فرعی

سؤالات فرعی تحقیق هم این موارد است:

مشارکت سیاسی زنان از صدر اسلام تا کنون چگونه و در چه مواردی بوده است؟

سختی‌ها و محدودیت‌های مشارکت سیاسی زنان چیست؟

### ۵-۱-۱. فرضیه تحقیق

فرضیه این است که، به جز ولایت در سطح عام جامعه اسلامی و خصوص حاکم اسلامی، در باقی موارد منع فقهی روشن برای ولایت سیاسی زن وجود ندارد. البته روشن است که اولویتی هم برای زنان وجود ندارد و به علت شرایط خاص زنان در حفظ حجاب و عفاف و لزوم رسیدگی به امور منزل و مسائلی از این دست، با توجه به خلقت ویژه زن، مردان در امور مربوط به مشارکت‌های اجتماعی اولویت دارند.

### ۶-۱-۱. اهداف

اهداف این تحقیق را می‌توان این گونه برشمرد:

✓ پاسخگویی به برخی از شبهات درباره حقوق و جایگاه زن در

اسلام؛

---

۱. فیاض، ص ۱۹ و ۲۰

- ✓ تبیین نگاه انقلاب اسلامی به جایگاه و شخصیت زن؛
- ✓ پاسخ به مسائل حقوق بشری درباره شخصیت زن؛
- ✓ بررسی امکان شرعی حضور بیشتر زنان در اجتماع و سیاست با توجه به پیشرفت‌های علمی و اجتماعی.

### **۱-۱-۷. روش تحقیق**

این تحقیق از انواع بنیادی است. در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده و گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده است. با استفاده از کتاب‌های گوناگون، مخصوصاً تفسیری، روایی و فقهی، نکاتی که به صورت پراکنده در آن‌ها وجود داشته گردآوری شده است. سرانجام، بر اساس آموزه‌های دینی برداشت‌شده درباره نظر فقه اسلام در موضوع ولایت سیاسی زنان تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود.

### **۱-۱-۸. سازمان‌دهی تحقیق (فصول)**

در فصل اول تحقیق، ابتدا به مفاهیم واژه‌های مربوط در موضوع ولایت سیاسی زن می‌پردازیم. فقه، ولایت، سیاست، ولایت سیاسی از واژه‌هایی است که در اینجا بررسی می‌شود. در ادامه، تفاوت ولایت و وکالت بحث می‌شود. همچنین به تفاوت وکالت در حقوق عمومی و حقوق خصوصی اشاره می‌شود. در ادامه مبانی نظری تحقیق تشریح می‌شود.

در فصل دوم به بررسی دلایل مخالفان ولایت سیاسی زنان و سپس به بیان دیدگاه موافقان مشارکت سیاسی زن می‌پردازیم. سرانجام نظر نویسندگان پس از بحث در نتیجه‌گیری بیان می‌شود.